

## راز سقوط خودرو به دره ای در مشهد فاش شد

اخصاصی خراسان

# جنایت به سبک سینمایی!



متهم هنگام اعتراف در حضور قاضی عارفی راد

را هم به دست آوردم. سپس خودروی دوستم را بیمه بدنه کردم تا او بعد از وقوع حادثه بتواند خسارت خودرو را از بیمه بگیرد و اگر قرار شد دیه فرد فوت شده را که خودم باشم نیز به خانواده ام بپردازد مشکلی نداشته باشد! بعد از این ماجرا هنگامی که از کرمانشاه به سمت مشهد باز می گشتم ساعات اولیه بامداد ۱۶۰۰/۱۶۲۱ بود که در کنار جاده شاهرود جوان معتاد و کارتن خوابی را دیدم و او را به بهانه این که بر ایمل مواد مخدر تهیه کند سوار خودرو کردم و به راه افتادم در مسیر جاده تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم و نقشه ام را اجرا کنم اما جاده کاملاً صاف بود و از هر طرف ممکن بود توجه یکی از رانندگان را جلب کنم اما در فاصله ۳۰ کیلومتری بعد از نیشابور وقتی چشمم به تپه های بلند منطقه ملک آباد افتاد آن جوان کارتن خواب را خفه کردم و به بالای تپه بردم آن جاپیکر شراپشت فرمان گذاشتم و کمربند ایمنی را هم بستم. سپس مقداری از بنزین بطری را که با خودم داشتم درون خودرو ریختم و با فندک آتش زدم. در حالی که شیشه پنجره ها بالا بود، خودرو را به تهره هل دادم و خودم از محل گریختم. تصورم این بود که جوان کارتن خواب دچار سوختگی شدیدی می شود و دیگران نیز جسد او را با من اشتباه می گیرند این گونه من از مشکلات مالی و همچنین اتهام سرقت می گریزم و با هویت و مدارک دوستم زندگی جدیدی را آغاز می کنم اما یک روز در تهران به خاطر شرکت در اغتشاشات اخیر دستگیر و روانه زندان شدم چرا که نتوانسته بودم برای آزادی وثیقه بپردازم. به همین دلیل از جوانی که در حال آزادی از زندان بود درخواست کردم به مشهد برود و از خانواده ام بخواهد که برای آزادی من وثیقه ای به دادسرای تهران بپردازند. اما زمانی که مرا به مشهد انتقال دادند تا از ذهنم فهمیدم که ماجرای جنایت سینمایی من لورفته است و...

بنابر گزارش روزنامه خراسان بررسی های بیشتر درباره ادعاهای متهم و همچنین ابعاد دیگر این جنایت تکان دهنده از سوی قاضی ویژه قتل عمد مشهد ادامه دارد.

که «مجید» مدتی قبل به اتهام سرقت لوازم و تجهیزات تاد کل های مخابراتی در خواب دستگیر و سپس با سپردن وثیقه یک میلیاردی به دادسرا تا زمان پایان تحقیقات قضایی آزاد شده است. بررسی های دقیق تر توسط سرهنگ مرادی (افسر پرونده) نشان داد که وی قبلاً پیمانکار مخابراتی بوده و به دلیل آشنایی که با تجهیزات تاد لوازم مخابراتی داشته است بعد از وقوع سرقت های متعدد، مورد ظن پلیس خواب قرار گرفته و دستگیر شده است.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، در حالی که همه شواهد و سرخ های این پرونده جنایی به «مجید -خ» می رسید اما هیچ اثری از وی وجود نداشت تا این که پس از چند ماه فعالیت های اطلاعاتی و قضایی، بالاخره شواهدی به دست آمد که ریشه یابی آن ها از یک مرد ۴۰ ساله زندانی در تهران حکایت داشت که شبیه متهم تحت تعقیب بود به این دلیل نامه نگاری های محرمانه با زندان تهران آغاز شد اما مستندات اولیه مشخص کرد که زندانی مذکور فردی به نام «محمد -ت» است. در حالی که این

ماجرا برای کارآگاهان و قاضی «عارفی راد» باورپذیر نبود، هماهنگی های قضایی برای بررسی های بیشتر صورت گرفت اما در همین زمان ناگهان جوان ناشناسی به خانواده «مجید -خ» مراجعه کرد تا مبلغی پول به همسروی بدهد! این موضوع از چشمان کارآگاهان دور نماند و آن ها که منزل مذکور را به طور نامحسوس زیر نظر داشتند این جوان را بی درنگ دستگیر و به مقر انتظامی هدایت کردند. او گفت: من از طرف یک زندانی به نام «محمد -ت» از تهران آمده ام تا به خانواده اش سر بزنم و بنا به درخواست او مبلغی پول را به همسرش بدهم و تقاضا کنم که برای آزادی آن زندانی وثیقه بپردازد! این اظهارات دیگر کارآگاهان به یقین رسیدند که فرد زندانی همان «مجید -خ» است که با هویت جعلی و با مدارک شناسایی فرد دیگری در تهران دستگیر شده است. طولی نکشید که با دستورهای قاضی محمد حسین درودی (دادستان مرکز خراسان رضوی) هماهنگی های قضایی انجام شد و زندانی مذکور به مشهد انتقال یافت.

او که در برابر میز عدالت و مقابل قاضی محمود عارفی راد ایستاده بود، ابتدا قصه ها و داستان های مختلفی را بازگو کرد تا چنین وانمود کند که اصلاً هویت او «مجید -خ» نیست و از ماجرای سقوط خودرو به دره نیز اطلاعی ندارد! اما وقتی دید که قاضی همچنان با لیخندی تلخ به او می نگرد دیگر چاره ای جز بیان حقیقت ندید و راز این قتل هولناک را فاش کرد. در این جلسه بازپرسی که کارآگاهان اداره جنایی آگاهی نیز حضور داشتند، متهم ۴۰ ساله گفت: وقتی به خاطر سرقت، وثیقه یک میلیاردی به دادسرای خواب سپردم که با خودم اندیشیدم که راهی برای فرار از این ماجرا پیدا کنم. به همین دلیل نقشه زیر کانه ای را به سبک فیلم های سینمایی کشیدم و آن را به اجرا گذاشتم آن روز ۱۳۷۱/۱۱/۱۴۰۰ سراغ یکی از دوستانم رفتم خودروی پژو ۲۰۶ او را برای مدتی به امانت گرفتم و از سوی دیگر هم مدارک شناسایی یکی از دوستان دیگر به نام «محمد -ت»

و تحقیقات قضایی خود را آغاز کرد.

در حالی که کارشناسان آتش نشانی معتقد بودند اگر یکی از شیشه های خودرو اندکی باز بود و اکسیژن کافی به داخل خودرو می رسید شعله های آتش خودرو چنان زبانه می کشیدند که چیزی از جسد یا خودرو باقی نمی ماند! این جمله امدادگران آتش نشانی، افکار مقام قضایی را درگیر ماجرای جنایی کرد چرا که بطری حاوی بنزین و انفجار ضعیفی که داخل خودرو و اتفاق افتاده بود بسیار مشکوک به نظر می رسید و از سوی دیگر هم وجود پیک نیک در داخل خودرو و این فرضیه جنایی را تقویت می کرد اما دقایقی بعد این ماجرا پیچیده، وحشتناک تر شد و دیگر مهر جنایت بر آن نقش بست. قسمتی از بند کفش روی میچ یکی از دستان راننده خودنمایی می کرد به گونه ای که گویی سوی دیگر این بند کفش از دست او باز شده است. به همین دلیل، قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، دستورهای ویژه ای را برای شناسایی هویت راننده و مالک خودرو صادر کرد و بدین ترتیب جسد سوخته نیز برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی انتقال یافت.

بنابر گزارش خراسان، ساعتی بعد گروه تخصصی از کارآگاهان با نظارت مستقیم سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی آگاهی خراسان رضوی) وارد عمل شدند تا با راهنمایی های قضایی و با کاوی فرضیه های جنایی این پرونده حساس بپردازند. مالک خودرو بلافاصله با گزارش شماره پلاک انتظامی به مرکز فرماندهی پلیس، شناسایی و به محل سقوط خودرو احضار شد.

او مدعی بود خودروی پژو ۲۰۶ را به یکی از دوستانش به نام «مجید -خ» امانت داده است این در حالی بود که در بررسی محتویات داخل خودرو و نیز مدارک شناسایی و هویتی «مجید -خ» هم روی کف پوش های زیر پای راننده پیدا شد. در شرايطی که خانواده «مجید -خ» از ماجرای سقوط خودرو به تهره دره مطلع شده بودند و شویون کنان به سروروی خود می گویند ناگهان «مجبتی» مالک خودرو ادعای عجیبی را مطرح کرد او گفت: جسد راننده ای که پشت فرمان قرار دار متعلق به دوست او «مجید» نیست و از مرد غریبه را اصلاً نمی شناسد که پیکر سوخته اش پشت فرمان خودرو کشف شده است! این ادعا، پرونده جنایی را در حالی پیچیده تر کرد که پزشکی قانونی نیز در گزارش خود به قاضی ویژه قتل عمد، علت مرگ راننده را خفگی بر اثر انسداد ریه تنفسی اعلام کرد.

حالا دیگر تردیدی وجود نداشت که مقام قضایی و پلیس با یک معمای جنایی پیچیده روبرو شده اند که روزنه هایی تو در تو تار یک دارد.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، با انگشت نگاری از جسد راننده و تحقیقات گسترده اطلاعاتی هویت مقتول به نام «محمد -س» شناسایی شد که ۳۵ سال داشت و اهل مینودشت بود. این موضوع هم برنخ های این کلاف سر درگم افزود چرا که بررسی های بیشتر نشان داد این جوان اهل شهرهای شمالی کشور، فردی معتاد و کارتن خواب است که توسط اطرافیان طرد شده و کسی نیز پیگیری وضعیت او نیست! به همین دلیل تحقیقات کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) بر جوان ۴۰ ساله ای متمرکز شد که خودروی پژو را از مجتبی به امانت گرفته بود و اکنون اثری از او نبود!

طولی نکشید که کارآگاهان با استفاده از مدارک هویتی وی که در صحنه جنایت باقی مانده بود، متوجه شدند که او زنده است و در مکان نامعلومی به سر می برد. از سوی دیگر نیز بررسی های محرمانه و نامحسوس کارآگاهان بیانگر آن بود

سیدخلیل سجادیپور- پس از یک سال رصدهای اطلاعاتی، راز جسد سوخته مرد غریبه ای در مشهد فاش شد که پشت فرمان خودرویی به درون دره حاشیه جاده نیشابور- مشهد سقوط کرده بود.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، صبح بیست و یکم بهمن سال گذشته، رانندگان و مسافران که در حاشیه جاده نیشابور- مشهد، توقف کرده بودند تا در هوای سرد زمستانی از زیبایی های طبیعت لذت ببرند ناگهان دود سیاه رنگی را مشاهده کردند که به فاصله اندکی از جاده در منطقه ملک آباد و از درون دره ای حدود ۷۵ متری به هوا برخاسته بود. برخی از مسافران بر اثر کنج کاوی به طرف تپه های بلند اطراف رفتند و خودروی پژویی را دیدند که به تهره دره سقوط کرده بود. لحظاتی بعد ماجرا از طریق پلیس ۱۱۰ به نیروهای پاسگاه انتظامی محل گزارش شد و گروهی از ماموران به همراه عوامل آتش نشانی عازم منطقه مذکور شدند. بررسی های مقدماتی بیانگر آن بود که راننده ۳۵ ساله لاغر اندام در پشت فرمان پژو ۲۰۶ سفید رنگ جان باخت و انفجاری نیز داخل خودرو بر اثر سقوط رخ داده است. دقایقی بعد ماجرای این حادثه هولناک در حالی مشکوک شد که جسد راننده به طور کامل نسوخته بود اما او در فصل زمستان کفشی در پا نداشت. با دشدیدی می وزید و امدادگران آتش نشانی به سختی می توانستند در های خودرو را برای بیرون آوردن پیکر راننده باز کنند در همین حال نیروهای انتظامی، مأمورین را به قاضی ویژه قتل عمد مشهد اطلاع دادند چرا که این حادثه وحشتناک در حدود ۳۰ کیلومتری و در حوزه استحفاظی مشهد رخ داده بود.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است دقایقی بعد قاضی «محمود عارفی راد» به همراه گروه زنده ای از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم منطقه مذکور شد



تصویر متهم

عین الله عارفی راد

## صفحه آرای

واحد صفحه آرای روزنامه خراسان  
سفارش می پذیرد  
۰۵۱۳۲۰۰۹۳۹۰  
layout@khorasannews.com

### مزایده

**مزایده فروش اموال مازاد بر نیاز شرکت تعاونی مسکن کارمندان سازمان امور اقتصادی و دارائی خراسان به شماره ثبت ۱۸۳۹۱ (پروژه آترین) شامل دبزل ژنراتور- اتصالات P.V.C -لوله های گالوانیزه -لوله های مانپسمان -لوله های جوشی -سرامیک -ضایعات آهن آلات -جت فن -بخاری های مستعمل -بالابر -کلاپم و ... به محل دفتر پروژه آترین واقع در مشهد- رضاشهر -بلوار نماز- نماز ۳۲ مراجعه و یا با تلفن ۰۵۱-۳۸۷۰۹۰۴۳-۳۸۷۰۹۰۴۳ داخلی ۱۱ و ۱۴ تماس حاصل فرمایند.**

مهلت ارسال مدارک پیشنهاد قیمت تا ساعت ۱۲:۰۰ مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۲۳ می باشد.  
**شرح لیست در وب سایت به نشانی: www.tmdbuilding.ir**

### هیأت مدیره شرکت تعاونی

## آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار در نظر دارد عملیات بهسازی و بازسازی خوابگاه متاهلین دانشگاه علوم پزشکی سبزوار از طریق مناقصه عمومی و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی اینترنتی [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد.

**\* مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه:** از ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز پنجشنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۱۳ لغایت ساعت ۱۹ روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۱۹.

**\* مهلت ارائه پیشنهاد:** از مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۲۰ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۲۰  
**\* مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ نهصد و نود و پنج میلیون ریال (۰۰۰/۰۰۰/۹۵۰ ریال) بصورت ضمانتنامه بانکی یا واریز وجه نقد.

**\* شرایط شرکت کنندگان:** شرکت های واجد شرایط در اسناد مناقصه (حداقل رتبه ۵ اینجه و ساختمان)  
**روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه علوم پزشکی سبزوار**

۰۵۱۳۲۰۰۰۹۳۹

## آگهی فراخوان مناقصه عمومی

**معاونت مهندسی و پدافند غیر عامل سپاه جواد الائمه (ع) در نظر دارد نسبت به خرید، نصب و اجرای ساندویچ پانل سقفی پلی اوریتان تعداد ۵ سالن ورزشی خود با متراژ تقریبی: ۲۲۳۶ متر مربع، از طریق انجام مناقصه اقدام نماید، لذا از تولید کنندگان و شرکت های فروشنده دارای صلاحیت معتبر در این تخصص دعوت میشود از زمان انتشار آگهی به مدت ۵ روز کاری جهت دریافت اسناد مناقصه با این معاونت تماس حاصل نمایند. آدرس: بجنورد - ابتدای جاده فرهنگیان - روبروی کارخانه ماکارانی - ساختمان بسیج فجر - معاونت مهندسی - دفتر فنی مراجعه نمایند.**  
**\* محل اجرای پروژه ها: ( شهرستان فاروج - روستای کوران ترکیه فاروج - شیروان - روستای رباط شیروان - روستای اوغاز شیروان )**  
**شماره تماس: ۰۵۸۳۲۲۶۱۶۱۳ - ۰۵۸۳۲۲۶۴۴۲۹۹ (تماس در وقت اداری)**  
**\* ضمناً معاونت در رد و یا قبول پیشنهادهای واصله مختار است .**  
**\* توضیح: هزینه دو نوبت انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد .**

### مزایده

### شرکت تعاونی مسکن کارمندان سازمان امور اقتصادی و دارائی خراسان به شماره ثبت ۱۸۳۹۱ (پروژه آترین)

در نظر دارد نسبت به فروش واحدهای مسکونی مازاد و امتیاز پروانه و حقوق تجاری و سهم العرصه واحد تجاری واقع در حاشیه بلوار نماز و نبش نماز ۲۰ اقدام نماید، جهت بازدید و ارائه پیشنهاد قیمت به محل دفتر پروژه آترین واقع در مشهد- رضاشهر -بلوار نماز نماز ۳۲ مراجعه و یا با تلفن ۰۵۱-۳۸۷۰۹۰۴۳-۳۸۷۰۹۰۴۳ داخلی ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ تماس حاصل فرمایند.

مهلت ارسال مدارک پیشنهاد قیمت تا ساعت ۱۲:۰۰ مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۲۳ می باشد.

مشخصات / موقعیت		مساحت	کاربری	قیمت پایه کارشناسی
امتیاز پروانه و حقوق تجاری و سهم العرصه زمین در همکف		۴۷۶،۲	تجاری	۱۴۲،۸۹۰،۰۰۰،۰۰۰
امتیاز پروانه و حقوق تجاری و سهم العرصه زمین در زیرزمین اول		۱۶۹،۵	تجاری	۳۰،۵۱۰،۰۰۰،۰۰۰

کد واحد	مشخصات / موقعیت	مساحت (مترمربع)	کاربری	قیمت پایه کارشناسی
۲۰۱۴	بلوک ۲ طبقه ۱ واحد ۴	۱۵۲	مسکونی	۳۴،۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰
۲۰۵۴	بلوک ۲ طبقه ۵ واحد ۴ به صورت مشاع از ۱۵۱،۹۵	حدود ۵۵	مسکونی	۳۵،۴۶۸،۰۰۰،۰۰۰

### هیأت مدیره شرکت تعاونی

۰۵۱۳۲۰۰۰۹۳۹

در امتداد تاریکی

## شوهرم آلمانی شد!

از روزی که شوهرم مرا با دو فرزند خردسال رها کرد و با ترند خاصی به کشور آلمان رفت، من هم در خانه پدر شوهرم سرگردان شده ام و آینده ام در هاله ای از ابهام قرار گرفته است به طوری که نمی دانم... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۲۱ ساله تبعه افغانستان که مدعی بود شوهرش به صورت پنهانی با یک دختر ایرانی از دواج کرده و با کمک قاچاقچیان انسان به کشور آلمان رفته است، در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: ۱۴ ساله بودم که پدرم مرا پای سفره عقد نشاند. نامزدم خواهرزاده شوهر خاله ام بود که از دوران نوجوانی در مشهد زندگی می کرد اما از یک ماه قبل به افغانستان آمده بود تا در کنار خانواده اش بماند.

«احسان» ۲۰ سال بیشتر نداشت و بیکار بود ولی در افغانستان از دواج فامیلی رونق دارد و به شغل افراد اهمیتی نمی دهند. من هم که تا مقطع ابتدایی تحصیل کرده بودم در خانه منتظر خواستگار نشستم که رنگ سبز لمان را به صدا درآورد. خلاصه چند ماه بعد زندگی مشترک من و «احسان» در افغانستان شروع شد ولی همسرم به خاطر بیکاری و مشکلاتی که در کشور مان وجود داشت، طاقت نیاورد و تصمیم گرفت دوباره به ایران بازگردد. این در حالی بود که دخترم تازه به دنیا آمده بود و نزد خانواده شوهرم زندگی می کردم. بالاخره «احسان» راهی مشهد شد تا با یافتن شغلی مناسب در ایران، مخارج زندگی من و فرزندم و پدر و مادرش را بفرستد. دو سال از حضور «احسان» در مشهد می گذشت و من روزهای سختی را می گذراندم به همین دلیل هر بار که او تلفنی با من تماس می گرفت ملتسانه اصرار می کردم تا من و دخترم را هم به ایران ببرد که در کنار هم زندگی کنیم اما او به هیچ وجه موافقت نمی کرد و مدعی بود که ما باید در کشور خودمان بمانیم، ولی از سوی دیگر من نمی توانستم با این شرایط زندگی کنم به همین دلیل بدون اجازه شوهرم و با کمک خانواده «احسان» یک روز راهی ایران شدم و با نشانی که داشتم به مشهد آمدم و او را پیدا کردم. طولی نکشید که خانواده «احسان» هم به مشهد آمدند و من لی را در حاشیه شهر خریدم. این گونه بود که اتاقی را نیز به ما دادند و من «احسان» و زندگی مشترکمان را در منزل پدر شوهرم ادامه دادیم. در این شرایط من مجبور بودم همه امور منزل پدر شوهرم را انجام بدهم تا زوار دهند همین سال زندگی ام شد به بودم که پسرمان نیز باردار شدم. در این وضعیت احسان و خانواده اش تصمیم گرفتند به کشور آلمان مهاجرت کنند. به همین منظور همه اموال خودشان را فروختند و باهم راهی ترکیه شدیم تا از طریق یونان به کشور آلمان برویم اما آن کشتی که قرار بود ما را به آن سوی آب ها برساند به گل نشسته بود و ما بعد از مدتی سرگردانی دوباره به ایران بازگشتیم و خانه ای در حاشیه مشهد اجاره کردیم تا به زندگی ادامه بدهیم چرا که جای بهتری از مشهد را نمی شناختم که بتوانیم به راحتی و بدون دغدغه در آن جا مورمان را بگذرانیم. اما بعد از گذشت مدتی از این ماجرا متوجه تغییر رفتارهای ناگهانی همسرم شدم. «احسان» دیگر به من خیلی بی توجهی می کرد و رابطه عاطفی سردی با من داشت. هرچه به او اصرار می کردم که اگر نااحتی دار دایمن در میان بگذارد، با عصبانیت پاسخ می داد و مرا از خودش می راند تا این که روزی به من گفت: لوازم سفرش را آماده کنم که قصد دارد برای مدتی به مسافرت برود. تصور می کردم شاید قصد دارد به افغانستان یا سوریه برود ولی به من پاسخی نمی داد. به ناچار همه مقدمات سفر را برایش فراهم کردم و او یک روز چمدان مسافرتی را برداشت و منزل را ترک کرد. مدت زیادی از این ماجرا نگذشت بود که در جست وجوی او برآمدم چرا که «احسان» در این مدت حتی یک تماس تلفنی هم با من نگرفت ولی آن چهره امنی نشیند نمی توانستم باور کنم. او من و دو فرزند خردسالم را رها کرده و با کمک قاچاقچیان انسان به کشور آلمان رفته بود تا به قول خودش آلمانی شود ولی بدتر از همه این بود که فهمیدم «احسان» قبل از خروج از کشور با یک دختر ایرانی از دواج کرده و او را هم با خودش برده است. وقتی موضوع را با خانواده ام در میان گذاشتم آن هامر را تشویق کردند تا هر دو فرزندم را در مشهد رها کنیم و به افغانستان بازگردیم چرا که آن هامدعی هستند هیچ وقت نمی توانند از فرزندان مردی مراقبت کنند که به من خیانت کرده است اما من یک مادرم نمی توانم به همین راحتی از دو فرزندم جدا شوم خلاصه در این شرایط سخت مجبور شدم در منزل پدر شوهرم زندگی کنم ولی برای آن که شب سر سفره آن ها بنشینم باید مانند یک خدمتکار در منزل آن ها کار کنم و این موضوع بسیار نچ می برم به همین دلیل هم به کلانتری آمدم تا از طریق قانونی موضوع را پیگیری کنم چرا که آینده من و فرزندانم در هاله ای از ابهام قرار دارد...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: پرونده این زن جوان تبعه خارجی با صدور دستور ویژه از سوی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد مشهد) و برای انجام اقدامات قانونی در اختیار کارشناسان دایره مددکاری اجتماعی کلانتری قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی